

تأثیر نحوه «ادراک تهدید تحریم» در جمهوری اسلامی ایران بر نحوه مدیریت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات

نیما رضایی^{*۱}

مجتبی شریعتی^۲

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر «ادراک تهدید تحریم» در جمهوری اسلامی ایران بر نحوه مدیریت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش: در این پژوهش، بینش‌ها و متغیرهای گزینشی (۱) مکتب کپنهاگ، (۲) مکتب پاریس و (۳) مطالعات اطلاعاتی به منظور فهم دقیق‌تر مفهوم «تحریم» به کار گرفته می‌شود. بنابراین، متدولوژی این پژوهش نوعی گلچین‌گرایی (Eclecticism) از میان سه نظریه فوق است.

یافته‌ها: نحوه ادراک تهدید تحریم به صورت مستقیم بر نحوه مدیریت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات تأثیرگذار است؛ چنان‌چه «تحریم» دارای ماهیت اقتصادی - سیاسی ادراک گردد، در مدیریت پرونده بر ابزارهای اقتصادی - سیاسی تأکید می‌گردد. چنین رویکردی در زمان دولت‌های یازدهم و دوازدهم دنبال گردید و ماحصل آن موافقت‌نامه برجام (JCPOA) بود که تلاش داشت پرونده را حل‌وفصل نماید و به دلایلی نظیر نگرانی ایالات متحده از دستاوردهای نسبی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات منفعت‌جویانه و غلط ترامپ زمین‌گیر شد. چنان‌چه ماهیتی اقتصادی - گفتمانی - اطلاعات‌محور - سیاسی برای «تحریم» ادراک گردد، علاوه بر احیای توافق با P5+1 (به‌عنوان شرط لازم و نه کافی)، اقدامات مکمل پنج‌گانه‌ای دنبال می‌گردد، زیرا این گونه مفروض گرفته می‌شود که: الف) تا زمانی که ایالات متحده تحریم را ابزار کارآمدی جهت تغییر رفتار و مهار جمهوری اسلامی ایران بداند از آن دست نخواهد کشید؛ ب) حل پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات به معنای حل پرونده‌های حقوق بشر - تحریم‌ها، منطقه‌ای - تحریم‌ها و رفتار جمهوری اسلامی - تحریم‌ها نخواهد بود.

نتیجه‌گیری: «تحریم»‌ها دارای ماهیتی اقتصادی - گفتمانی - اطلاعات‌محور - سیاسی هستند و در نتیجه ماهیتی تلفیقی، پیچیده و چند بُعدی دارند.

کلیدواژه‌ها: ادراک تهدید، پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات، ادراک تهدید تحریم، ماهیت اقتصادی - گفتمانی - اطلاعات‌محور - سیاسی تحریم.

Email: nrir2020@gmail.com

۱- استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران
(نویسنده مسئول)

Email: m.shariati17@gmail.com

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

مقدمه

۲۳ مرداد ۱۳۸۱ (۱۴ اوت ۲۰۰۲)، «علی‌رضا جعفرزاده»، سخنگوی گروهک منافقین، در یک کنفرانس خبری با ارائه تصاویری از سایت‌های نطنز و اراک که گفته می‌شد ساخته و پرداخته نهادهای اطلاعاتی اسرائیل می‌باشد، ادعا نمود که جمهوری اسلامی ایران در نطنز و اراک تأسیسات غنی سازی اورانیوم و رآکتور آب سنگین ساخته است. چند ماه بعد و در دسامبر ۲۰۰۲، سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده با انتشار تصاویری ماهواره‌ای از تأسیسات هسته‌ای نطنز و اراک ادعا نمودند که این تأسیسات کاربرد نظامی دارد و جمهوری اسلامی را به تلاش برای تولید تسلیحات اتمی متهم نمودند و بدین‌سان پرونده‌ای علیه جمهوری اسلامی ساخته و گشوده شد که می‌توان آن را پرونده هسته‌ای- تحریم‌ها- مذاکرات نامید و آثار و پیامدهای آن تا به امروز نیز جاری و ساری است. دولت سیدمحمد خاتمی، دولت محمود احمدی‌نژاد، دولت حسن روحانی و اکنون نیز دولت سید ابراهیم رئیسی با این پرونده درگیر هستند.

در پرونده هسته‌ای- تحریم‌ها- مذاکرات مهم‌ترین مبحث، «تحریم»ها هستند. ایالات متحده از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا پیش از طرح اتهامات هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران «تحریم»های مختلفی را به بهانه‌های متفاوت علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نموده است. در دولت‌های کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر، اوباما و ترامپ تحریم‌های مختلفی در قالب «فرمان اجرایی» رئیس‌جمهور یا توسط کنگره علیه ایران وضع و اعمال گردید تا رفتار ایران تغییر یابد و ایران مهار گردد.

به‌عنوان نمونه، کارتر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور ایالات متحده که با پدیده انقلاب اسلامی ایران مواجه گردید، چهار «فرمان اجرایی» را به‌منظور اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی صادر نمود. ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ۱۳۵۸)، تنها ۱۰ روز پس از تسخیر سفارت به دست دانشجویان پیرو خط امام، فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ توسط «جیمی کارتر» صادر گردید (ثبت فدرال، ۱۹۷۹). دومین فرمانی که توسط «کارتر» صادر گردید فرمان اجرایی ۱۲۲۰۵ مورخ ۷ آوریل ۱۹۸۰ بود (ثبت فدرال، ۱۹۸۰ ب). کارتر سومین فرمان اجرایی خود را ده روز بعد و با شماره ۱۲۲۱۱ صادر نمود (ثبت فدرال، ۱۹۸۰ الف). چهارمین و آخرین فرمان اجرایی کارتر در مورد جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ و با شماره ۱۲۲۸۲ صادر گردید (ثبت فدرال، ۱۹۸۱).

پس از طرح اتهامات هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی در دولت بوش پسر، موضوع هسته‌ای نیز به دلایل اعمال «تحریم»ها علیه جمهوری اسلامی ایران افزوده شد. اما اوج اعمال «تحریم»ها علیه جمهوری اسلامی در دولت اوباما اتفاق افتاد که تحریم‌های مختلفی وضع و اعمال گردید. تأثیر این تحریم‌ها به‌واسطه مصادف شدن با «تحریم»های شورای امنیت سازمان ملل متحد که در قالب پنج قطعنامه ۱۷۴۷ (۲۴ مارس ۲۰۰۷-۴ فروردین ۱۳۸۶)، ۱۸۰۳ (۳ مارس ۲۰۰۸-۱۳ اسفند ۱۳۸۶)، ۱۸۳۵ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸-۶ مهر ۱۳۸۷)، ۱۸۸۷ (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹-۲ مهر ۱۳۸۸) و ۱۹۲۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۰-۲۰ سپتامبر ۲۰۰۸-۶ مهر ۱۳۸۷) بود.

1. Executive Order
2. Federal Register

۱۹ خرداد ۱۳۸۹) اعمال گردید، مضاعف گردید. البته شورای امنیت قطعنامه ۱۷۳۷ و بیانیه ۱۶۹۶ را نیز در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی صادر نمود که حاوی «تحریم» نبودند. ضمن آن که قطعنامه‌های ۱۸۳۵ و ۱۸۸۷ حاوی تحریم جدیدی نبودند و تنها بر اجرای قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت تأکید نمودند.

هر یک از دولت‌های سید محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی با توجه به نحوه ادراک تهدید تحریم، راهبرد متفاوتی را به منظور مقابله با تهدید تحریم به کار گرفته و مدیریت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات را به یکی از دو نهاد وزارت امور خارجه یا شورای عالی امنیت ملی سپردند. به دنبال پیروزی سید ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰، موضوع ماندن پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات در وزارت امور خارجه یا ارجاع آن به شورای عالی امنیت ملی به یکی از مباحث روز مبدل شده است. عده‌ای بر این باورند که پرونده باید در وزارت امور خارجه باقی بماند و مذاکرات هسته‌ای نظیر قبل، توسط تیمی متشکل از وزارت امور خارجه، سازمان انرژی اتمی و بانک مرکزی و با محوریت وزارت امور خارجه مدیریت و هدایت گردد و در توجیه دیدگاه خود استدلال‌هایی را ردیف می‌نمایند. دسته‌ای دیگر معتقدند که پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات باید به شورای عالی امنیت ملی سپرده شود و مذاکرات هسته‌ای تحت مدیریت مدیران و کارشناسان شورا مدیریت و هدایت گردد. این گروه نیز استدلال‌هایی را در توجیه نگرش خود بیان می‌نمایند. فارغ از درستی یا نادرستی استدلال‌های طرفین، می‌توان موضوع را از یک نگاه کلان‌تر مورد توجه قرار داد و بر همین اساس در مورد سپردن پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات به یکی از این دو نهاد جمهوری اسلامی ایران بحث نمود.

در این نگاه کلان این گونه مفروض گرفته می‌شود که پرونده هسته‌ای که از سال ۱۳۸۱ علیه ایران گشوده شد با مبحث «تحریم»‌های غرب و در رأس آن ایالات متحده گره خورده است و بدون روشن نمودن ماهیت «تحریم»‌ها نمی‌توان راهکارهای مقابله با آن و در نتیجه نهاد متولی مذاکرات را تعیین نمود. لازمه این امر روشن نمودن ماهیت تحریم‌ها می‌باشد و از این‌رو، سپردن پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات به یکی از دو نهاد فوق‌الذکر را می‌باید براساس ماهیت «تحریم»‌ها به‌عنوان یکی از تهدیدهای فراروی جمهوری اسلامی ایران روشن و تعیین نمود. اگر چه در تهدید فرض نمودن «تحریم» اختلاف نظری در میان مقامات و نخبگان جمهوری اسلامی ایران و حتی اپوزیسیون وجود ندارد، لکن اگر ماهیت «تحریم»‌ها درست فهم نگردد، راهبردها و روش‌هایی برای مقابله با آن به کار گرفته خواهد شد که از کارایی لازم برخوردار نیستند و تمامی این‌ها به اثرگذاری «تحریم»‌ها و در نتیجه به تعمیق شکاف دولت-ملت کمک خواهد نمود.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی که «نحوه ادراک تهدید تحریم در جمهوری اسلامی چگونه بر پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات تأثیر می‌گذارد؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «نحوه ادراک تهدید تحریم به‌صورت مستقیم بر نحوه مدیریت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات تأثیرگذار

است: چنانچه «تحریم» دارای ماهیت اقتصادی - سیاسی ادراک گردد، در مدیریت پرونده و در راستای حل و فصل آن بر ابزارهای اقتصادی - سیاسی تأکید می‌گردد. چنین رویکردی در زمان دولت‌های یازدهم و دوازدهم که مدیریت پرونده به وزارت امور خارجه و تیمی متشکل از کارشناسان هسته‌ای - اقتصادی سپرده شد، دنبال گردید و ماحصل آن موافقت‌نامه برجام (JCPOA) بود که تلاش داشت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات را حل و فصل نماید و به دلایلی نظیر نگرانی ایالات متحده از دستاوردهای نسبی جمهوری اسلامی ایران (Relative Gains) و محاسبات منفعت‌جویانه و غلط ترامپ زمین‌گیر شد. چنانچه ماهیتی اقتصادی - گفتمانی - اطلاعات‌محور - سیاسی برای «تحریم» ادراک گردد، علاوه بر احیای توافق با P5+1 (به‌عنوان شرط لازم و نه کافی)، اقدامات مکمل پنج‌گانه‌ای دنبال می‌گردد، زیرا این گونه مفروض گرفته می‌شود که: الف) تا زمانی که ایالات متحده تحریم را ابزار کارآمدی جهت تغییر رفتار و مهار جمهوری اسلامی ایران بداند از آن دست نخواهد کشید؛ ب) حل پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات به معنای حل پرونده‌های حقوق بشر - تحریم‌ها، منطقه‌ای - تحریم‌ها و رفتار جمهوری اسلامی - تحریم‌ها (تحریم‌های اعمالی در دوران کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون و بوش پسر) نخواهد بود. در این حالت، شورای عالی امنیت ملی (شعام) با توجه به ابزارهای قانونی خود نشأت گرفته از اصل ۱۷۶ قانون اساسی می‌تواند نقش مؤثری در مدیریت پرونده و پیگیری اقدامات مکمل پنج‌گانه در کنار احیای توافق با P5+1 بر عهده گیرد.

بدین منظور در ابتدا ماهیت تهدید از منظر مکاتب کپنهاگ و پاریس بررسی می‌گردد. پس از آن به تهدیدهای اطلاعات‌محور پرداخته می‌شود. در ادامه، ماهیت تهدیدهای متوجه جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس ماهیت تلفیقی و پیچیده تحریم بررسی می‌گردد و در ادامه به مبحث ادراک تهدید و ادراک تهدید تحریم در جمهوری اسلامی اشاره می‌گردد.

لازم به ذکر است که تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در رابطه با بررسی تأثیر «ادراک تهدید تحریم» در جمهوری اسلامی ایران بر نحوه مدیریت پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات منتشر نشده است.

ماهیت تهدید از منظر مکتب کپنهاگ

«ویور» معتقد است آن چه که مکتب کپنهاگ^۱ خوانده می‌شود، حول سه انگاره اصلی شکل گرفته است: (۱) امنیتی کردن^۲ بخش‌ها^۳ (به تمایز بین امنیت و تهدیدهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه‌محور (یا اجتماعی) و زیست محیطی اشاره دارد) (۳) مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای^۴ (ویور^۵، ۲۰۰۴: ۸).

«بوزان» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شارحان مکتب کپنهاگ، اندیشمندی است که در کتاب «مردم،

1. Copenhagen School
2. Securitization
3. sectors
4. Regional Security Complex (RSC)
5. Wæver

دولت‌ها و هراس: مشکل امنیت ملی در روابط بین‌الملل» به روشنی ماهیت تهدیدها را مشخص نموده و آنها را به تهدیدهای «نظامی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «جامعه محور (یا اجتماعی)» و «زیست‌محیطی» تقسیم می‌نماید (بوزان^۱، ۱۹۸۳: ۷۵-۸۳).

«بیگو» در رابطه با این کتاب عنوان می‌دارد که بوزان در اثر خود با قاطعیت مطرح ساخت که مطالعات امنیتی و مطالعات استراتژیک یکسان نیستند و امنیت یک مفهوم اساساً مجادله برانگیز است، لکن این باور که امنیت در درون حوزه «بین‌الملل» درک می‌شود را حفظ نمود (بیگو^۲، ۲۰۰۸: ۱۲۰).

بنابراین ذکر این نکته ضروری است که ارائه دسته‌بندی پنج‌گانه از تهدیدها توسط «بوزان» و عدم اشاره به مواردی نظیر بیماری‌های واگیردار و عفونی، ترور و... ناشی از این موضوع است که وی «امنیت» را متعلق به حوزه بین‌الملل در نظر می‌گیرد و از یک چشم‌انداز روابط بین‌المللی، «امنیت» را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است که اگر چه «بوزان» بر اساس رویکرد بخشی خود، ماهیت تهدیدها را به «نظامی»، «سیاسی»، «اقتصادی»، «جامعه محور (یا اجتماعی)» و «زیست‌محیطی» تقسیم‌بندی می‌نماید، لکن بر اساس اتخاذ رویکرد مبتنی بر گلچین‌گرایی و گزینش گزاره‌های مورد استفاده، در این پژوهش تنها به ذکر دو تهدید «سیاسی» و «اقتصادی» اکتفا می‌گردد.

تهدید سیاسی

تهدید سیاسی یکی از پنج تهدیدی است که «بوزان» بدان اشاره می‌نماید. عمده‌ترین تهدیدهای سیاسی از منظر «بوزان» عبارت‌اند از:

- ۱- تهدیدهای عمدی متوجه دولت‌ها (ی ضعیف) بر مبنای شکاف دولت-ملت آنها^۱.
- ۲- تهدیدهای عمدی متوجه دولت‌ها (ی ضعیف) بر اساس [دلایل] سیاسی-ایدئولوژیک.
- ۳- تهدیدهای واحد پایه ناخواسته^۴ متوجه دولت‌های آسیب‌پذیر از حیث [شکاف] دولت-ملت.
- ۴- تهدیدهای غیر عمدی متوجه دولت‌ها (ی ضعیف) بر اساس [دلایل] سیاسی-ایدئولوژیک.
- ۵- امنیت هم‌گرایی فراملی، و منطقه‌ای و امنیت در برابر آن^۵.
- ۶- تهدیدهای اصولی در سطح نظام^۶ علیه دولت‌هایی که به دلیل شکاف دولت - ملت آسیب‌پذیر می‌باشند.

۷- تهدیدهای ساختاری (یا سیستمیک) متوجه دولت‌ها (ی ضعیف) بر اساس [دلایل] سیاسی-ایدئولوژیک. این هفت مورد، انواع مختلف تهدید متوجه دولت، یعنی واحد اصلی بخش سیاسی می‌باشند.

1. Buzan
2. Bigo
3. on the basis of their state-nation split
4. inadvertent, unit-based threats
5. security of and against supranational, regional integration
6. systemic, principled threats

ما به دو مقوله عمده دیگر نیز اشاره نموده‌ایم: سایر نامزدها در سطح واحد مخصوصاً جنبش‌های فراملی^۱ و اصول و نهاد‌های در سطح نظام.

۸- تهدیدهای متوجه جنبش‌های فراملی که عالی‌ترین درجه وفاداری را از اعضای خود طلب می‌نمایند.

۹- تهدیدهای متوجه جامعه، نظم و حقوق بین‌الملل. واضح‌ترین نمونه این نوع تهدید، حمله عراق به کویت است (بوزان، ویور و دو وایلد^۲، ۱۹۹۸: ۱۵۹-۱۵۵).

تهدید اقتصادی

دیگر تهدید معرفی شده توسط «بوزان»، تهدید اقتصادی می‌باشد. «بوزان» خاطر نشان می‌سازد مرتبط ساختن تهدیدهای اقتصادی به حوزه امنیت ملی دشوارتر از تهدیدهای نظامی و سیاسی می‌باشد، زیرا وضعیت عادی بازیگران در حوزه اقتصاد، وضعیتی توأم با مخاطره، رقابت و عدم قطعیت^۳ می‌باشد. اگر ناامنی در حوزه اقتصادی وضعیتی عادی می‌باشد، بنابراین تعیین مرزهایی که در آن موضوعات به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی معین می‌گردند دشوار خواهد بود. علاوه بر این، دولت اغلب تنها یکی از بازیگران [موجود] در میان بسیاری از سطوح بازیگران اقتصادی می‌باشد و مسئولیت‌ها و منافع دولت در بخش اقتصادی، به همان اندازه که در بخش‌های سیاسی و نظامی وجود دارد روشن نیست. دشوار است که تهدیدهای خاص اقتصادی متوجه امنیت ملی را از خطرات غیر منتظره رقابت عادی اقتصادی متمایز نمود، لکن دو موضوع قابل توجه است. اولین موضوع، پیوند سنتی بین عوامل اقتصادی و قابلیت نظامی می‌باشد. به طور کلی، قابلیت نظامی متکی بر عملکرد اقتصادی می‌باشد، اما این سطح به منظور مقابله با تهدیدهای اقتصادی بسیار گسترده است. به‌طور خاص، قابلیت نظامی بر تأمین منابع استراتژیک کلیدی^۴ متکی است و در جایی که این مواد باید از خارج تأمین شوند، تهدیدهای متوجه تأمین این مواد می‌تواند به‌عنوان یک نگرانی امنیت ملی طبقه‌بندی شود. به‌عنوان مثال صنایع نظامی ایالات متحده به تأمین منگنز و نیکل وابسته هستند که هیچ یک از آنها در مقادیر قابل توجه در آمریکا تولید نمی‌گردند. موضوع دوم نگرانی‌های جدیدتری می‌باشد و آن چه را که می‌تواند تهدیدهای اقتصادی متوجه ثبات داخلی نامیده شود، شامل می‌گردد. این موضوع زمانی که دولت‌ها استراتژی‌های اقتصادی را بر مبنای به حداکثر رسانیدن رفاه به واسطه تجارت گسترده دنبال می‌کنند، رخ می‌دهد (بوزان، ۱۹۸۳: ۷۹-۸۰).

1. other unit-level candidates, notably transnational movements
2. Buzan, Wæver & de Wilde
3. risk, competition and uncertainty
4. supply of key strategic materials

ماهیت تهدید از منظر مکتب پاریس

«مکتب پاریس» یا آن گونه که «دیدیه بیگو» آن را «جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی (IPS)»^۱ می‌خواند، دارای انگاره‌ها و مفاهیم عمیقی نظیر «امنیتی کردن»، «پیشه‌وران (یا تخصصی‌های) امنیت»^۲، «تمرکز بر (in)security یا امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر»، «حمایت از ادغام قلمرو داخلی و بین‌المللی»، «نقد مفهوم مرز»، «تعریف کارکردهایی متفاوت از کارکردهای فعلی برای پلیس و ارتش»، «توجه به تهدیدهای با عیار جدید [یا تهدیدهای فراگذرنده]^۳» و... می‌باشد (مصلحی و رضایی، ۲۰۲۰: ۱۵۳-۱۶۳).

«دیدیه بیگو» به‌عنوان شارح و نظریه‌پرداز اصلی این مکتب، نگرش «بوزان» به مفهوم «تهدید» را دارای نواقصاتی می‌داند. «بیگو» خاطر نشان می‌سازد «بر اساس رویکرد بخش‌ها، [امنیت] ملی تنها یکی از احتمالات بسیار کاربرست رویه‌های امنیتی می‌باشد^۴. دولت هیچ انحصاری [بر امنیت] ندارد و تنها مرجع ممکن امنیت^۵ نیست. دیگر مراجع امنیت می‌توانند فراتر از [بخش‌های] نظامی، سیاسی، اقتصادی، محیط زیست و اجتماعی باشند. اگر دولت تنها دو بخش نخست (و شاید بخش سوم) را کنترل می‌کند و [در آنها] بازیگر کلیدی است، برای دو بخش آخر [اوضاع] پیچیده‌تر است. بنابراین، به موازات امنیت ملی و یکپارچگی دولت، می‌توان ادعای امنیت در مورد هویت و فرهنگ یک جامعه خاص یا حتی اجتماع محلی یا مذهبی خاص را مطرح نمود. این ادعاها [درباره امنیت]، پیرامون تهدیدهای بسیار مبتدل‌تر [یا پیش پا افتاده‌تر] هستند. این تهدیدها اغلب کمتر فیزیکی هستند و بیشتر از گفتار برمی‌آیند، لکن از آن جا که در صورت موفقیت می‌توانند تغییر رژیم^۶ ایجاد کنند، دارای اهمیت هستند. از این رو مهم است که به منظور نگاه کردن به «دل و روده» جامعه^۸، تجزیه و تحلیل امنیت را عمیق‌تر سازیم. لکن با انجام این کار، به یقین ناهمگونی هویدا شده و تظاهر به همگونی دولت^۹ که در روابط بین‌الملل بسیار مهم می‌باشد، از بین خواهد رفت» (بیگو، ۲۰۰۸: ۱۲۰).

بنابراین می‌توان به تعبیر «بیگو» سخن از تهدیدهایی راند که مکتب کپنهاگ بدان اشاره نمی‌نماید و «کمتر فیزیکی هستند و بیشتر از گفتار برمی‌آیند، لکن از آن جا که در صورت موفقیت می‌توانند تغییر رژیم ایجاد کنند، دارای اهمیت هستند».

از این رو می‌توان از منظری گفتمانی، تهدید را به‌عنوان پدیده یا رویدادی طبیعی یا مصنوعی در نظر گرفت که دال مرکزی یا وقته‌های گفتمانی که حول یک «مرجع امنیت» شکل گرفته را آماج حملات

1. International Political Sociology (IPS)
2. Professionals of Security
3. transversal threats
4. national is one among many possibilities of applying security practices
5. only referent object possible for security
6. speech
7. change of regime
8. 'guts' of society
9. the pretence of homogeneity of the state

عینی(مادی) و معنایی قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است که پست مدرن‌ها ادعا می‌کنند «واقعیت» به صورت گفتمانی تولید می‌شود (یعنی به وسیله گفتمان (بر) ساخته می‌شود)^۱ (برچیل و لینکلتر^۲، ۲۰۰۵: ۲۰). آنان برای همه چیز و حتی تهدیدها نیز ماهیتی گفتمانی قائل هستند. «دیالان» معتقد است که تهدیدات، ماهیت گفتمانی^۳ دارند و عنوان می‌دارد «همان‌گونه که هر کارگزار (دولت یا اتحاد) به دنبال (بر) ساخت دیگری به عنوان سوژه^۴ می‌باشد و دیگری را به یک سوژه شناخت‌پذیر [یا فهمیم]^۵ تبدیل می‌کند، خود نیز به یک سوژه شناخت‌پذیر [یا فهمیم] برای دیگری تبدیل می‌شود. تمامی این موارد به نام هراس و از طریق آن چه که من می‌خواهم گفتمان‌های خطر و امنیت^۶ بنامم یا با توجه به ماهیت دوگانه فرآیند از طریق گفتمان‌های (عدم) امنیت [یعنی امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر]^۷ انجام می‌شود» (دیالان^۸، ۱۹۹۰: ۱۰۲).

تهدیدهای اطلاعات محور متوجه جمهوری اسلامی ایران

تهدیدهای اطلاعات محور را می‌توان با «مطالعات اطلاعاتی» مورد بررسی قرار داد. لازم به ذکر است که «اسکات و جکسن» مطالعات اطلاعاتی را به عنوان یک حوزه فرعی روابط بین‌الملل^۹ در نظر می‌گیرند (اسکات و جکسن^{۱۰}، ۲۰۰۴: ۱).

اگر اطلاعات را معادل سه اصطلاح Intelligence, Information و Data در نظر بگیریم، منظور از اطلاعات در این پژوهش، Intelligence می‌باشد. «مارک ام. لاونتال» اطلاعات را در سه معنا، اطلاعات به عنوان فرآیند^{۱۱}؛ اطلاعات به عنوان محصول^{۱۲}؛ و اطلاعات به عنوان سازمان^{۱۳} به کار می‌برد (لاونتال^{۱۴}، ۲۰۰۹: ۲۳-۲۴). «شولسکی و اشمیت» در کتاب معروف خود با عنوان «نبرد خاموش: فهم دنیای اطلاعات» به تأسی از تعریف سه وجهی اطلاعات که اولین بار توسط «شرمن کنت» معرفی گردیده، «اطلاعات» را شامل انواع خاصی از اخبار، فعالیت و سازمان معرفی می‌کنند (شولسکی و اشمیت^{۱۵}، ۲۰۰۲: ۳-۱). «کلارک» معتقد است که اطلاعات، درباره کاهش عدم قطعیت در منازعه

1. 'reality' is discursively produced (that is, constructed by discourse)
2. Burchill & Linklater
3. discursive
4. constitute the other as a subject
5. a knowledgeable subject
6. discourses of danger and security
7. discourses of (in)security
8. Dillon
9. intelligence studies as a sub-field of international relations
10. Scott & Jackson
11. Intelligence as process
12. Intelligence as product
13. Intelligence as organization
14. Lowenthal
15. Shulsky & Schmitt

می‌باشد.^۱ کاهش عدم قطعیت نیازمند آن است که اطلاعات به اخباری دست یابد که حریف ترجیح می‌دهد در یک منازعه پنهان بماند (کلارک^۲، ۲۰۱۳: ۱۴). «فریس» معتقد است که اطلاعات نوعی از قدرت نیست، بلکه ابزاری برای راهنمایی [چگونگی]^۳ استفاده از قدرت می‌باشد (فرس^۴، ۲۰۰۳: ۳۰۸).

«روی گادسون» چهار کارکرد برای Intelligence قائل است. وی عنوان می‌دارد که چهار عنصر (کارکرد یا رشته) مجزا^۵ ی اطلاعات: (i) جمع‌آوری، (ii) تحلیل، (iii) ضد اطلاعات و (iv) اقدامات [یا عملیات] پنهان^۶ می‌باشند. به‌طور خلاصه، محصول آنها (آگاهی)، فرایندی که به موجب آن این آگاهی به دست می‌آید یا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (فعالیت) و بروکراسی (سازمان) ایجاد شده برای بر عهده گرفتن آن فعالیت، موضوع اصلی اطلاعات^۷ را تشکیل می‌دهند (گادسون^۸، ۱۹۸۷: ۴).

«جکسن و سیگل» در رابطه با ماهیت و نقش اطلاعات عنوان می‌دارند که «دو رویکرد متمایز برای فهم ماهیت و نقش اطلاعات^۹ وجود دارد: رویکرد اول بیان می‌دارد که اطلاعات در وهله اول و مهم‌تر باید به‌عنوان خبر^{۱۰} در نظر گرفته شود، در حالی که رویکرد دوم تمایل دارد که اطلاعات را به‌عنوان یک فرآیند مطرح نماید. اصل بنیادین در رویکرد اول آن است که اطلاعات، اخباری است که به منظور کاهش عدم قطعیت^{۱۱} تصمیم‌گیرندگان به آنان ارائه می‌شود و اجازه می‌دهد تا آنان انتخاب‌های آگاهانه‌ای انجام دهند. مطابق رویکرد دوم، جوهره اطلاعات در مراحل مختلف جمع‌آوری، ادغام، تحلیل و انتشار^{۱۲} نهفته است که به اخبار [دارای ارزش] اطلاعاتی^{۱۳} معنی می‌دهد و آن را برای تصمیم‌گیرندگان مفید می‌سازد» (جکسن و سیگل^{۱۴}، ۲۰۰۵: ۲-۳).

با عنایت به این توضیحات، می‌توان این گونه بیان نمود که هر سازمان یا فعالیتی که بتواند نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نماید یا در جمع‌آوری اطلاعات، ضد اطلاعات، تحلیل اطلاعات و اقدامات [یا عملیات] پنهان سازمان یا فعالیت اطلاعاتی دیگر خلل وارد نماید، مصداق یک تهدید اطلاعات‌محور خواهد بود.

1. Intelligence is about reducing uncertainty in conflict
2. Clark
3. a means to guide
4. Ferris
5. four discrete elements (functions or disciplines)
6. (i)collection, (ii)analysis, (iii)counter-intelligence, and (iv)covert action
7. subject matter of intelligence
8. Godson
9. to understanding the nature and role of intelligence
10. as information
11. uncertainty
12. various stages of collection, collation, analysis, and distribution
13. Intelligence Information
14. Jackson & Siegel

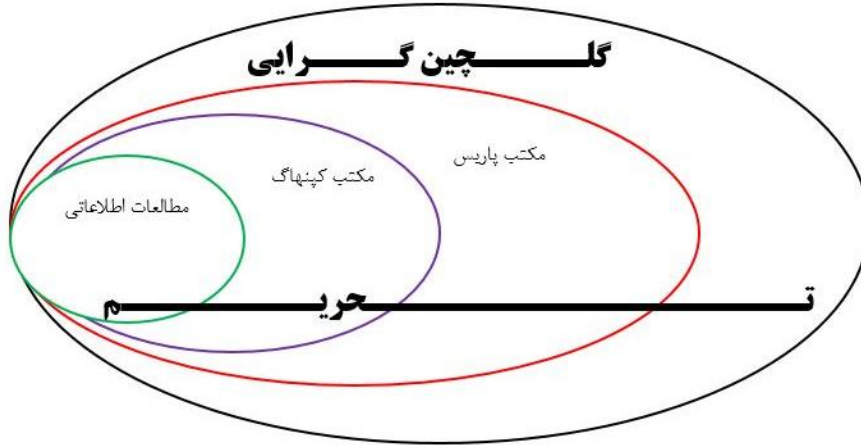
بررسی ماهیت تلفیقی و پیچیده تحریم با بهره‌گیری از متدولوژی گلچین‌گرایانه

متدولوژی این پژوهش نوعی گلچین‌گرایی (Eclecticism) از میان سه نظریه می‌باشد (جدول شماره ۱). در این پژوهش، بینش‌ها و متغیرهای (۱) مکتب کپنهاگ، (۲) مکتب پاریس و (۳) مطالعات اطلاعاتی به منظور فهم دقیق مفهوم «تحریم» به کار گرفته می‌شود. از «مکتب کپنهاگ» دو متغیر «تهدید سیاسی» و «تهدید اقتصادی»، از «مکتب پاریس» متغیر «تهدید گفتمانی» و از زیر رشته «مطالعات اطلاعاتی» متغیر «کارکردهای چهارگانه اطلاعات» وام گرفته می‌شود تا مفهوم «تهدید» بهتر درک گردد. در این راستا، این گونه استدلال می‌شود که «تحریم»ها دارای ماهیتی اقتصادی-گفتمانی-اطلاعات محور-سیاسی هستند.

پیش از ورود به بحث لازم است که توضیحاتی در رابطه با روش «گلچین‌گرایی» ارائه داد. «جفری تی. چکل»، «گلچین‌گرایی» را تلاشی آشکار در جهت بهره‌گیری از بینش‌ها و متغیرهای دو یا چند رویکرد نظری به منظور درک بهتر یک مسأله [موجود در] جهان واقع^۱ تعریف می‌کند. عبارت «بهره‌گیری از بینش‌ها» [در تعریف فوق] به معنای وام گرفتن متغیرهای تبیین‌گر^۲ از رویکردهای نظری مختلف و جمع کردن آنها در یک تبیین یکپارچه^۳ می‌باشد. معنای عبارت «درک بهتر» [در تعریف فوق]، به تصویر کشیدن مقدار بیشتری از پیچیدگی تحلیلی / علی [موجود] در یک معما یا مسأله معین^۴ نسبت به زمانی است که صرفاً از یک نظریه استفاده می‌شود (چکل^۵، ۲۰۱۳: ۲۲۴).

بنابراین، با بهره‌گیری از دیدگاه «چکل» می‌توان این گونه استدلال نمود که استفاده از یک نظریه خاص به منظور درک مفهوم «تحریم» (چه مکتب کپنهاگ باشد، چه مکتب پاریس باشد و چه مطالعات اطلاعاتی) ابعاد و اجزای دقیق «تهدید» را روشن نمی‌سازد. به ناچار و به منظور درک دقیق‌تر مفهوم «تحریم» باید متغیرهای تبیین‌گر را از سه نظریه (۱) مکتب کپنهاگ، (۲) مکتب پاریس و (۳) مطالعات اطلاعاتی وام گرفت تا بتوان مقدار بیشتری از پیچیدگی تحلیلی / علی مفهوم «تهدید» را درک نمود. همان گونه که شکل شماره ۱ نشان می‌دهد با بهره‌گیری از «مطالعات اطلاعاتی» تنها می‌توان بخشی از ماهیت تحریم را درک نمود (ماهیت اطلاعات محور). با استفاده از «مکتب کپنهاگ» هم صرفاً می‌توان بخشی از تحریم را درک نمود (ماهیت سیاسی و اقتصادی). با کاربست «مکتب پاریس» هم تنها بخشی از ماهیت تحریم درک می‌گردد (ماهیت گفتمانی). اما با رویکرد گلچین‌گرایی و با وام‌گیری متغیرهای تبیین‌گر از این سه نظریه / مکتب، می‌توان ماهیت دقیق تحریم را درک نمود (ماهیت اطلاعات محور-سیاسی-اقتصادی-گفتمانی تحریم).

1. an explicit effort to utilize insights and variables from two or more theoretical approaches to make better sense of a real-world problem
2. explanatory variables
3. single explanation
4. analytic/causal complexity at work in a given puzzle or problem
5. Checkel



شکل ۱: تنها با اتخاذ رویکرد گلچین‌گرایی و وام‌گیری متغیرهای تبیین‌گر از سه نظریه/مکتب می‌توان ماهیت دقیق تحریم را درک نمود. (منبع: نگارندگان)

جدول ۱: تأثیر نظریه‌ها/مکاتب سه‌گانه مورد بحث بر چارچوب نظری پژوهش

ردیف	نظریه/مکتب امنیتی زیرمجموعه رشته روابط بین‌الملل (از هر نظریه یک یا چند متغیر تبیین‌گر وام گرفته می‌شود)	تأثیر بر چارچوب نظری پژوهش (از هر نظریه کدام متغیر تبیین- گر وام گرفته می‌شود)	ملاحظات
۱	مکتب کپنهاگ (Copenhagen School or CS)	تهدیدهای نظامی (Military Threat)	براساس رویکرد گلچین‌گرایی (Eclecticism)
	تهدیدهای سیاسی (Political Threat)	ماهیت سیاسی تحریم	
	تهدیدهای جامعه‌محور (Societal Threat)	ماهیت اقتصادی تحریم	
	تهدیدهای اقتصادی (Economic Threat)		
۲	مکتب پاریس یا جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی (Paris School or International Political Sociology or IPS)	ماهیت گفتمانی تحریم	
۳	مطالعات اطلاعاتی (Intelligence Studies or IS)	جمع‌آوری پنهان اطلاعات (Covert Collection or Clandestine gathering)	ماهیت اطلاعات‌محور تهدید
	ضد اطلاعات (Counter-Intelligence)		
	تحلیل اطلاعات (Intelligence Analysis)		
	عملیات پنهان (Covert Action or Clandestine Activities)		

(منبع: نگارندگان)

ماهیت اقتصادی تحریم

در بُعد اقتصادی، «تحریم» را می‌توان یک «تهدید اقتصادی متوجه ثبات داخلی» دانست (بوزان، ۱۹۸۳: ۸۰). تحریم‌ها موجب می‌گردند که مخاطره و عدم قطعیت در اقتصاد کشور مورد تحریم افزایش یابد. به‌واسطه تحریم‌ها، انتقال ارز با مشکل مواجه شده، هزینه مبادله و تجارت با کشور مورد تحریم افزایش می‌یابد، صادرات و واردات کشور مورد تحریم محدودتر و دشوارتر می‌گردد و هزینه‌های اضافی بر آن تحمیل می‌گردد، ارزش پول ملی کاهش می‌یابد، امکان انتقال فناوری به کشور مورد تحریم سخت‌تر می‌شود، صدور تضامین بانکی برای تجار و بازرگانان با مشکل مواجه می‌گردد، امکان بهره‌مندی کشور مورد تحریم از خطوط اعتباری و سرمایه‌های خارجی کاهش می‌یابد، شرکت‌های بین‌المللی از بازار کشور مورد تحریم خارج شده و همکاری آنها با شرکای داخلی قطع می‌گردد، پوشش بیمه‌ای بانک‌ها از بین می‌رود، رتبه اعتباری کشور مورد تحریم توسط مؤسسات بین‌المللی تضعیف می‌گردد و قس علی‌هذا. تمامی این موارد در نهایت موجب اعمال فشار بر معیشت مردم کشور مورد تحریم می‌گردد و ممکن است کار به آشوب‌های خیابانی و نافرمانی مدنی بینجامد و این گونه است که «تحریم» را می‌توان یک «تهدید اقتصادی متوجه ثبات داخلی» دانست. البته امکان دور زدن تحریم‌ها و کاهش اثرات آن بر اقتصاد یک کشور با اعمال سیاست‌های خاص نظیر اقتصاد مقاومتی امکان‌پذیر می‌باشد که موضوع پژوهش حاضر نیست.

در این خصوص تنها به ذکر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در ۲۶ آذرماه ۱۳۹۹ اکتفا می‌گردد: «رفع تحریم دست دشمن است، و خنثی کردن تحریم دست ما است؛ دشمن باید رفع تحریم کند اما خودمان می‌توانیم این تحریم دشمن را خنثی کنیم. پس این مقدم است، این درست است؛ بیشتر دنبال این باشیم. نمی‌گوییم دنبال رفع تحریم نباشیم؛ اگر بتوانیم تحریم را رفع کنیم، یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم. البته چهار سال است تأخیر شده. اگر بتوانیم با روش درست تحریم را برطرف کنیم، باید برطرف کنیم. اما به این نیندیشید؛ عمده به خنثی کردن تحریم بیندیشید که دست شما است» (سایت مقام معظم رهبری، دسامبر ۱۰، ۲۰۲۰).

در مورد جمهوری اسلامی ایران باید گفت که ضعف‌ها و عیوب ساختاری اقتصاد ایران موجب تشدید اثرات اقتصادی تحریم‌ها بر مردم کشور شده است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بخش اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب به بخشی از آسیب‌ها و عیوب ساختاری اقتصاد ایران اشاره نمودند. معظله‌له با آسیب‌شناسی عملکرد اقتصادی انقلاب اسلامی در چهارده گذشته به درستی علت اصلی مشکلات موجود از جمله: بیکاری جوانان، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و... را وجود «عیوب ساختاری» در اقتصاد ایران دانسته‌اند. عیوبی که اگر اصلاح شوند، سهم سایر عوامل نظیر تحریم را تا حد زیادی کاهش خواهند داد. ایشان به برخی از این عیوب ساختاری نظیر «وابستگی اقتصاد به نفت»، «نگاه به خارج و نه به توان

و ظرفیت داخلی»، «استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور»، «عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد» و «عدم رعایت اولویت‌ها» اشاره نمودند (سایت مقام معظم رهبری، اکتبر ۲۹، ۲۰۱۹).

ماهیت گفتمانی تحریم

علاوه بر ماهیت اقتصادی، «تحریم» دارای ماهیت گفتمانی نیز می‌باشد. «تحریم» اگر چه یک کنش عینی و ملموس می‌باشد، لکن معنایی را تولید می‌کند که به واسطه آن برخی از «دقایق [یا وقته‌ها]»^۱ و حتی دال مرکزی^۲ گفتمان^۳ سیاسی- اجتماعی یک کشور را آماج حملات معنایی قرار می‌دهد و از این طریق هژمونی آن گفتمان در سطح جامعه را به چالش می‌کشد. در بعد گفتمانی، تحریم اثرات نامطلوبی بر روی مردم ایران دارد و این معنا را در جامعه تولید می‌نماید که اعمال تحریم‌ها توسط ایالات متحده (و جهان غرب) نتیجه عملکرد جمهوری اسلامی ایران در بعد خارجی و داخلی می‌باشد (مقصر اصلی خود جمهوری اسلامی ایران می‌باشد) تا بتواند نظام در اقناع مردم ایران را تضعیف نماید و حمایت مردم از سیاست‌های داخلی و خارجی نظام را کم‌رنگ و محو ساخته و نهایتاً هژمونی گفتمان جمهوری اسلامی در ایران را به چالش بکشد. تأثیرات گفتمانی تحریم بر جامعه ایران کاملاً ملموس و عینی است.

با ذکر یک مقدمه به بررسی تأثیرات گفتمانی تحریم در جامعه ایران می‌پردازیم. لازم به ذکر است که گفتمان‌های دیگری نظیر گفتمان سیاسی- اجتماعی غرب‌گرایان (به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب) و گفتمان سیاسی- اجتماعی طرفداران رژیم شاهنشاهی (که هر دو دارای چندین خرده گفتمان مختلف می‌باشد) با گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی رابطه مبتنی بر «ضدیت [یا غیریت‌سازی]»^۴ برقرار نموده‌اند، لکن گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی به مثابه یک «گفتمان عینیت یافته»^۵ می‌باشد که هیچ گفتمانی تا کنون نتوانسته جایگاه «هژمون»^۶ آن را در جامعه ایران دچار خلل سازد.

به عبارت دقیق‌تر، گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی در یک «میدان گفتمانی»^۷ قرار دارد که در آن بر سر تعیین معنا، منازعه و مبارزه موج می‌زند. وجود میدان گفتمانی و ضدیت بین گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی و گفتمان سیاسی- اجتماعی غرب‌گرایان (به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب) بدین معنا می‌باشد که هویت «گفتمان» سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی دائماً در معرض تهدید و تغییر است و جمهوری اسلامی از طریق تثبیت معانی «دال»^۸ های گفتمان خود نباید اجازه «ساختار شکنی»^۹، شکستن ثبات معنایی و نهایتاً از دست رفتن «هژمونی» گفتمان خود را به گفتمان یا

1. Moments
2. Nodal Point or Master Signifier
3. Discourse
4. Antagonism
5. Objective Discourses
6. Hegemon
7. Discursive Field
8. Signifiers
9. Deconstruction

گفتمان‌های رقیب بدهد و اگر روزی تثبیت معانی «دال»‌های گفتمان سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی دچار خلل شود، «هژمونی» این گفتمان از بین خواهد رفت. تثبیت جایگاه «هژمون» گفتمان سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران از طریق «(درون‌گذاری [یا برجسته‌سازی])»^۱ دال‌های مورد نظر آن گفتمان و «برون‌گذاری [یا حاشیه‌رانی]»^۲ دال‌های گفتمان‌های رقیب (هم گفتمان سیاسی-اجتماعی غرب‌گرایان و هم گفتمان سیاسی-اجتماعی طرفداران رژیم شاهنشاهی) انجام می‌پذیرد. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اگر چه گفتمان سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی هم‌چنان در جایگاه «هژمون» قرار دارد، لکن «زنجیره هم‌ارزی»^۳ گفتمان سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی تمامی آحاد جامعه را شامل نمی‌گردد و «منطق تفاوت»^۴ که مطابق آن بر تفاوت‌ها و اختلافات موجود در عرصه اجتماعی تأکید می‌شود و از طریق آن «زنجیره هم‌ارزی» موجود به هم می‌ریزد، در جامعه ایران پر رنگ و برجسته است. ضمن آن که «قابلیت دسترسی»^۵ و «قابلیت اعتبار»^۶ گفتمان سیاسی-اجتماعی غرب‌گرایان اگر چه در سطح مطلوبی نیست و بسیار کمتر از گفتمان هژمون در جامعه ایران یعنی گفتمان سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی می‌باشد، لکن بیش از دیگر گفتمان رقیب یعنی گفتمان سیاسی-اجتماعی طرفداران رژیم شاهنشاهی می‌باشد.

پس از ذکر این توضیحات به بررسی تأثیرات گفتمانی تحریم بر جامعه ایران با استفاده از یک نمونه پرداخته می‌شود (به دلیل محدودیت‌های حجمی مقالات علمی-پژوهشی امکان ذکر موارد متعدد دیگر وجود ندارد).

اگر «ولایت مطلقه فقیه» را دال مرکزی گفتمان سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی فرض نماییم، معنایی که جمهوری اسلامی به این «دال مرکزی» می‌دهد، برگرفته از این فرمایش حضرت امام(ره) در جمع افسران، همافران، درجه‌داران و پرسنل غیر نظامی پایگاه هشتم نکاء نیروی مستقر در اصفهان (به تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۵۸) است که: «... من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد ... ولایت فقیه آن‌طور که اسلام مقرر فرموده است و ائمه ما نصب فرموده‌اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند، دیکتاتوری به وجود نمی‌آورد، کاری که بر خلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد» (خمینی، ۲۰۱۰: ۵۸). پس معنایی که جمهوری اسلامی به دال مرکزی گفتمان سیاسی-اجتماعی خود داده این است: «ولایت فقیه یعنی حافظ مصالح مملکت، مانع دیکتاتوری، در ادامه مسیر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و غیره».

1. Inclusion
2. Exclusion
3. Chain of Equivalence
4. Logic of Difference
5. Availability
6. Credibility

گفتمان سیاسی- اجتماعی غرب‌گرایان (به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب) و گفتمان سیاسی - اجتماعی طرفداران رژیم شاهنشاهی به واسطه اثرات نامطلوبی که تحریم بر اقتصاد و جامعه ایران وارد می‌نماید این معنا را تولید می‌کنند که ولی فقیه، [حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای] عامل اصلی ادامه تحریم‌ها می‌باشد، زیرا اجازه «سازش و تسلیم در برابر غرب به رهبری ایالات متحده» را نمی‌دهد، پس «بر خلاف مصالح مملکت» عمل می‌نماید و این گونه درصدد هستند تا «دال مرکزی» گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی را در جامعه دچار تزلزل (یا به تعبیر دقیق‌تر، دچار «بی‌قراری»^۱) معنایی نمایند و در نهایت، کل گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی را «بی‌قرار» ساخته و «هژمونی» آن در سطح جامعه را از بین ببرند. شنیدن شعارهایی نظیر «این همه لشگر آمده به جنگ رهبر آمده» و «مرگ بر اصل ولایت فقیه» در نآرامی‌های سال ۱۴۰۰ اصفهان، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۶، علی‌رغم رهبری داهیان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در طول ۳۲ سال گذشته و عبور دادن کشور از بحران‌های نابودگر ایران و همچنین شنیدن شعار «رضاشاه روح شاد» در نآرامی‌های سال ۱۴۰۰ اصفهان، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۶، علی‌رغم خیانت‌هایی که رضاخان در مورد کشور و مردم روا داشت (از جمله کشتار جمع زیادی از مردم ایران و واگذاری دشت ناامید به افغانستان، واگذاری کوه‌های آزارات به ترکیه و واگذاری حق کشتی‌رانی در اروندرود به جز ۵ کیلومتر از آب‌های مقابل آبادان تا خط تالوگ به عراق مطابق عهدنامه عدم تعرض مشهور به پیمان‌نامه سعدآباد در سال ۱۳۱۶ شمسی) را می‌باید یکی از اثرات گفتمانی تحریم دانست (فارغ از سازمان‌دهی سلطنت‌طلبان و غرب‌گرایان). البته به واسطه عنایات الهی و نگاه دقیق و تیزبین مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تولید معانی متعددی نظیر «هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت و ایستادگی است و فایده و دستاوردهای ایستادگی صدها برابر بیشتر از هزینه‌های تسلیم شدن است»، گفتمان سیاسی- اجتماعی جمهوری اسلامی توانسته «مدلول»^۲ مدنظر خود (ولایت فقیه یعنی حافظ مصالح مملکت، مانع دیکتاتوری، در ادامه مسیر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و غیره) را به «دال مرکزی» گفتمان خود نزدیک نماید و از طریق حاصل نمودن اجماع در «زنجیره هم‌ارزی» گفتمان خود بر سر معانی مدنظر خود، «دال»‌های گفتمان خود را «هژمونیک» نموده و با هژمونیک شدن «دال»‌های «گفتمان» خود، کل «گفتمان» را در منزلت «هژمون» قرار داده است. «هژمونیک شدن» این «دال»‌ها به این معنا می‌باشد که معنای مدنظر جمهوری اسلامی در سطح وسیعی در افکار عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است (بیشتر از گفتمان‌های رقیب) و در این حالت و در ادبیات تحلیل گفتمان «لاکلاو و موفه» گفته می‌شود که در معنای «دال»‌های گفتمان امنیتی- نظامی جمهوری اسلامی نوعی «انسداد» یا «توقف»^۳، هر چند موقتی، ایجاد شده است. بنابراین اگر چه «دال مرکزی» و دیگر «دال»‌های گفتمان

1. Dislocation
2. Signified
3. Closure

سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی دچار «بی‌قراری» معنایی نخواهد شد، لکن نباید از اثرات مخربی که تحریم بر گفتمان سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی دارد، غافل شد.

ماهیت اطلاعات محور تحریم

تحریم ماهیتی اطلاعات محور دارد. کشور تحریم کننده به دنبال شناسایی و حمله به اهداف اقتصادی کشور مورد تحریم (نظیر نهادها، سازمان‌ها، تشکیلات و شرکت‌های اقتصادی) می‌باشد و در این بین اطلاعات نقش اصلی را ایفا می‌نماید. اگر کشور تحریم کننده برتری (یا اشراف) اطلاعاتی نداشته باشد نمی‌تواند هیچ هدف اقتصادی را در کشور مورد تحریم شناسایی و تحریم نماید.

در اطلاعات محور بودن تحریم می‌توان به این نکته اشاره نمود که در اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین کشور تحریم کننده جهان یعنی ایالات متحده پیگیری مبحث تحریم‌ها بر عهده وزارت خزانه‌داری قرار دارد. اصلی‌ترین معاونت وزارت خزانه‌داری که امورات مربوط به تحریم کشورها را بر عهده دارد، «معاونت امور تروریسم و اطلاعات مالی وزارت خزانه‌داری (TFI) ایالات متحده»^۱ می‌باشد. این معاونت به منظور جمع‌آوری اطلاعات دارای دفتری با عنوان «دفتر اطلاعات و تحلیل وزارت خزانه‌داری (OIA) ایالات متحده»^۲ می‌باشد. اهمیت این دفتر اطلاعاتی در آنجا است که OIA عضوی از جامعه اطلاعاتی ایالات متحده می‌باشد. بنابراین آمریکایی‌ها در وهله اول نگاهی اطلاعات محور به مبحث «تحریم» دارند و اثربخشی «تحریم» را در گرو «اطلاعات» و «برتری (یا اشراف) اطلاعاتی» می‌دانند. بنابراین «اطلاعات» مؤلفه اصلی اثربخشی تحریم می‌باشد.

در مورد جمهوری اسلامی می‌توان گفت که هرگونه تلاش سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده بالأخص «معاونت امور تروریسم و اطلاعات مالی» وزارت خزانه‌داری برای کسب اطلاع از جزئیات امور پولی و مالی ایران مصداق بارز جنگ اطلاعاتی بوده که برتری (یا اشراف) اطلاعاتی ایالات متحده را در پی دارد و بر میزان تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران می‌افزاید. بنابراین به جرأت می‌توان گفت که موضوع «تحریم‌های اقتصادی» علیه ایران یکی از اصلی‌ترین نمودهای جنگ اطلاعاتی غرب علیه جمهوری اسلامی می‌باشد که متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته است. تحریم‌های اقتصادی اعمالی علیه ایران و مهم‌تر از آن پیگیری اقدامات صورت گرفته جهت اثرگذاری بیشتر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران که مبتنی بر «برتری (یا اشراف) اطلاعاتی» و «استفاده از اطلاعات اقتصادی» می‌باشد، مصداق از جنگ اطلاعاتی غرب می‌باشد. جنگی اطلاعاتی که در آن تمام یا بخشی از حلقه‌های «برنامه‌ریزی [و جهت‌دهی]»، «جمع‌آوری»، «پردازش»، «تحلیل و تولید» و «انتشار»^۳ اطلاعات اقتصادی ایران آماج حمله قرار می‌گیرند تا از قبیل بهره‌برداری از اطلاعات اقتصادی ایران، نوعی برتری اطلاعاتی برای ضربه

1. U.S. Department of the Treasury's Office of Terrorism and Financial Intelligence (TFI)

2. U.S. Department of the Treasury's Office of Intelligence and Analysis (OIA)

3. Planning and Direction, Collection, Processing, Analysis and Production, and Dissemination

زدن به اقتصاد ایران کسب شود. اگر چه به دلایلی نظیر گسترده بودن حوزه اقتصاد، پر تعداد بودن بازیگران (در این جا بازرگانان، فعالان و نهادهای اقتصادی خصوصی، دولتی و شبه دولتی)، متنوع بودن اطلاعات (در این جا اطلاعات مربوط به صادرات، واردات، ثبت قرارداد با شرکای خارجی و ...)، منطق منفعتی بازیگران (در این جا تلاش جهت کسب سود بیشتر) و دیگر موارد، اقدامات «حفاظتی» به معنای عام آن را فاقد کارایی لازم نموده است، لکن نباید این نکته را از نظر دور داشت که بدیع بودن این حوزه جنگ اطلاعاتی غرب علیه جمهوری اسلامی تهدیدهای فراوانی را متوجه اقتصاد و حتی امنیت کشور نموده است.

ماهیت سیاسی تحریم

تحریم ماهیتی سیاسی نیز دارد. کشور تحریم کننده به واسطه اعمال فشار بر کشور مورد تحریم که در نهایت متوجه مردم آن کشور می شود و آثار آن در زندگی مردم کشور مورد تحریم کاملاً حس و لمس می گردد، به دنبال افزایش شکاف دولت - ملت^۱ می باشد. در این حالت، اعمال فشارها ملت را به این نتیجه می رساند و سوق می دهد که دولت به دلیل عدم اجابت خواسته های کشور تحریم کننده موجب ایجاد مشکلات و بدبختی برای ملت گردیده است. در این حالت، خشم ملت نسبت به دولت و سیاست های آن افزایش می یابد و بدین گونه روز به روز شکافها عمیق می گردد. البته اگر ملتی، دولت خود را در عدم اجابت خواسته های کشور تحریم کننده محق بداند، این شکاف کمتر خواهد بود، لکن در چنین حالتی نیز بخش هایی از ملت، اقناع نشده و شکاف دولت - ملت افزایش می یابد. در مورد جمهوری اسلامی و با بهره گیری از رویکرد نظری مکتب کپنهاگ می توان گفت که «تحریم»ها افزایش شکاف دولت - ملت را نشانه رفته است.

ادراک تهدید

کشورهای مختلف بر اساس تهدیدهایی که از ناحیه محیط بین المللی و منطقه ای متوجه آنان می شود، بخشی از راهبردها و رفتارهای سیاست خارجی خود را تنظیم می نمایند. پس «ادراک تهدید» نقشی مهم در تنظیم راهبردها و رفتارهای سیاست خارجی دولت ها ایفا می نماید. دولت ها با شناخت تهدیدها به آن پاسخ می دهند. پس اگر تهدیدی درست شناخته نشود نمی توان بدان پاسخ داد و این نکته ای است که «ریموند کوهن» بدان اشاره می نماید. وی معتقد است که «ادراک تهدید یک متغیر مداخله گر تعیین کننده بین کنش و واکنش می باشد^۲. زمانی که تهدید، حتی در صورت وجود شواهد عینی، ادراک (یا فهمیده) نشود، امکان بسیج منابع دفاعی [به منظور مقابله با آن] وجود نخواهد داشت» (کوهن، ۱۹۷۸: ۹۳).

1. state-nation split

2. threat perception is the decisive intervening variable between action and reaction

3. Cohen

«ادراک تهدید» به زبانی بسیار ساده یعنی «شناخت تهدید». فرض کنیم در درب منزل، مرد خانه با چماق ایستاده و اجازه ورود جانوران مختلفی نظیر خرس، گرگ و پلنگ را به درون خانه نمی‌دهد. اما با این تصور که سگ، تهدیدی برای اهل خانه به حساب نمی‌آید اجازه ورود سگ را به منزل می‌دهد و آن سگ به فرزند کوچک خانواده حمله‌ور شده و او را زخمی می‌نماید. خانم خانه به مرد اعتراض می‌کند که چرا اجازه ورود سگ به درون منزل را دادی؟ مرد با کمال تعجب می‌گوید که فکر نمی‌کردم سگ، تهدید ایجاد کند. در این حالت می‌توان گفت که در «ادراک تهدید» مرد، سگ به‌عنوان تهدید شناخته نشده است. در «ادراک تهدید» صحبت بر سر «درستی» یا «نادرستی» نیست، بلکه «شناخت» و «عدم شناخت» تهدید و به عبارت دقیق‌تر دارا بودن یا نبودن «سوگیری شناختی»^۱ در شناخت تهدید موضوع اصلی می‌باشد. البته نباید فراموش نمود که در مبحث «ادراک تهدید» علاوه بر «شناخت» و «عدم شناخت» تهدید، مبحث «ماهیت تهدید» نیز مهم و بلکه حیاتی می‌باشد.

ادراک تهدید تحریم در جمهوری اسلامی ایران

هر چند موضوع «ماهیت تهدید» یکی از اجزاء و مؤلفه‌های اصلی مبحث «ادراک تهدید» می‌باشد، لکن در این قسمت و با بهره‌گیری از اصل «صرفه‌جویی»^۲، تعمداً «ادراک تهدید» معادل و برابر «درک ماهیت تهدید» در نظر گرفته می‌شود.

اگر چه در نزد مقامات و نخبگان جمهوری اسلامی ایران با هر گرایش و سلیقه سیاسی و حتی در میان اپوزیسیون نیز «تحریم» به‌عنوان یک «تهدید»، ادراک شده است، لکن «ادراک تهدید» متفاوتی از «ماهیت تحریم» در دولت‌های مختلف وجود داشته است. در این پژوهش تنها بر دولت هشت ساله حسن روحانی تمرکز می‌گردد. ادراک ماهیت تهدید تحریم در دولت‌های پیشین می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.

دولت حسن روحانی

در دولت اول و دوم حسن روحانی، «تحریم» دارای ماهیت اقتصادی - سیاسی ادراک گردید. اگر چه در تأیید این مدعا می‌توان به ده‌ها مورد از اظهارات رئیس‌جمهور به‌عنوان فرد اول کابینه اشاره نمود، لکن با توجه به محدودیت‌های معمول مقالات علمی - پژوهشی تنها به ذکر سه مورد اکتفا می‌گردد.

جمله معروف حسن روحانی در جریان مناظرات انتخاباتی که «هم سانتریفیوژ باید بچرخد، هم چرخ زندگی مردم» نشان از آن داشت که ایشان ماهیتی اقتصادی برای «تحریم» قائل هستند. مضاف بر این و به‌عنوان یک نمونه دیگر، روحانی در ۱۷ خرداد ۱۳۹۴ و در مراسم هفته محیط زیست اعلام نمود «تحریم»ها باید از بین بروند تا سرمایه‌گذار به کشور بیاید و باید سرمایه‌گذاری انجام شود تا مشکل مالی و بانکی و آب خوردن مردم حل شود».

1. cognitive bias
2. parsimony

علاوه بر ماهیت اقتصادی، حسن روحانی ماهیتی سیاسی را نیز برای «تحریم» قائل بود. به عنوان نمونه، روحانی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری خود در ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ اظهار داشت که «ایران که از منظر بدخواهان قرار بود در اثر تحریم و انزوا در ستیزه‌ای داخلی فرو غلتد و شکافی بزرگ بین دولت و ملت ایجاد شود، با انتخاباتی پرشور و مشارکت گسترده اقشار مختلف مردم، خالق حماسه‌ای کم نظیر گردید». بنابراین، ایشان (به درستی) معتقد بود که هدف تحریم ایجاد شکافی بزرگ بین دولت و ملت بوده است که نشان از آن دارد که از منظر ایشان «تحریم»‌ها دارای ماهیتی سیاسی نیز هستند.

از منظر این پژوهش که ماهیتی اقتصادی-گفتمانی-اطلاعات‌محور-سیاسی برای «تحریم»‌ها قائل است، همین ادراک دو بعدی ماهیت تحریم و عدم توجه به ماهیت گفتمانی و اطلاعات‌محور تحریم بود که ایشان و دولت ایشان را بر آن داشت تا راه‌حل مقابله با تهدید تحریم را صرفاً مذاکره و امضای موافقت‌نامه «برجام» با ۵+۱ در نظر بگیرند. بنابراین به واسطه ادراک دو بعدی ماهیت «تحریم» در دولت حسن روحانی، راه‌حل مقابله با تهدید «تحریم»، مذاکره و امضای موافقت‌نامه با ایالات متحده در قالب ۵+۱ تعریف گردید. در این راستا، دکتر روحانی در جریان مبارزات انتخاباتی خود با حضور در جمع دانشجویان دانشگاه شریف در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ اظهار داشت: «هنر این است که ما تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم، از این رو مذاکره با آمریکا امکان‌پذیر و شدنی اما سخت است، هرچند بنده معتقدم مذاکره با آمریکا راحت‌تر از مذاکره با اروپا است چرا که اروپایی‌ها به دنبال آقا اجازه از آمریکا هستند. از این رو دولت آینده باید بتواند رابطه ایران و آمریکا را از حالت تخاصم به مرحله تنش که یک مرحله پایین‌تر است برساند. آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است».

به همین دلیل بود که در ابتدای دولت حسن روحانی پرونده هسته‌ای-تحریم‌ها-مذاکرات از شورای عالی امنیت ملی ستانده و به وزارت امور خارجه سپرده شد. در نتیجه، مذاکرات هسته‌ای به تیمی متشکل از وزارت امور خارجه، سازمان انرژی اتمی و بانک مرکزی و با محوریت وزارت امور خارجه سپرده شد.

از منظر این پژوهش، دلیلی که موجب شد دکتر روحانی، پرونده هسته‌ای-تحریم‌ها-مذاکرات را علی‌رغم زحمات دو ساله تیم مذاکره کننده و انعقاد موافقت‌نامه برجام، حل نشده به دولت بعدی خود تحویل دهد، همین عدم ادراک ماهیت اقتصادی-گفتمانی-اطلاعات‌محور-سیاسی تحریم‌ها و در نظر گرفتن ماهیتی دو بعدی برای آنها بود. حسن روحانی و تیم سیاست خارجی-امنیت ملی ایشان ماهیتی دو بعدی (اقتصادی-سیاسی) برای تحریم‌ها قائل بود و بر این باور بود که با «برجام» می‌تواند هم ثبات داخلی را به واسطه کاهش مخاطره و عدم قطعیت در اقتصاد کشور افزایش دهد (بعد اقتصادی) و هم شکاف دولت-ملت را به واسطه حل مشکلات ترمیم نماید (بعد سیاسی). تیم سیاست خارجی-امنیت ملی ایشان به ماهیت گفتمانی-اطلاعات‌محور تحریم بی‌توجه بود یا حداقل آن را جدی نمی‌انگاشت و در نظر نگرفت مادامی که برتری (یا اشراف) اطلاعاتی ایالات متحده در حوزه اقتصاد (و نه امنیت) ایران وجود دارد (بعد اطلاعات‌محور) و تا زمانی که به افکار عمومی ایران این گونه فهمانده می‌شود که ریشه مشکلات کشور عدم تفاهم کامل جمهوری اسلامی با ایالات متحده در حوزه‌های غیرهسته‌ای نظیر

برنامه موشکی، برنامه منطقه‌ای و ... می‌باشد (بعد گفتمانی)، «برجام» نمی‌تواند پرونده هسته‌ای-تحریم‌ها - مذاکرات را حل و فصل نماید. خارج شدن ایالات متحده از برجام در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) که با امضای «دانلد جی. ترامپ» صورت پذیرفت، نشان داد که «ترامپ» حسب توصیه مشاوران خود، این گونه محاسبه نموده که با خارج شدن از برجام و در نتیجه بازگردانی تحریم‌های گذشته و اعمال تحریم‌های جدید می‌تواند به واسطه برتری (یا اشراف) اطلاعاتی ایالات متحده در حوزه اقتصاد ایران (بعد اطلاعات محور تحریم)، هم ثبات داخلی اقتصاد ایران را از بین ببرد (بعد اقتصادی تحریم)؛ هم شکاف دولت-ملت را افزایش دهد (بعد سیاسی تحریم)؛ و هم عدم تفاهم جمهوری اسلامی ایران با آمریکا در حوزه‌های موشکی، منطقه‌ای و غیره را عامل مشکلات ملت ایران معرفی نماید و در نتیجه هژمونی گفتمان جمهوری اسلامی در سطح جامعه ایران را از بین ببرد (بعد گفتمانی تحریم) و نهایتاً جمهوری اسلامی ایران را تا مرز سقوط و فروپاشی بکشاند و Regime Change را محقق نماید. اگر چه به دلایلی که خارج از حوصله این پژوهش می‌باشد موفق به Regime Change جمهوری اسلامی ایران نگردید، لکن توانست پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات را همچنان برای ایران مفتوح نگه دارد.

دولت سید ابراهیم رئیسی

دولت سید ابراهیم رئیسی بر سر یک دو راهی تاریخی در مورد نحوه ادراک تهدید تحریم قرار گرفته است. یا می‌تواند نظیر دولت‌های یازدهم و دوازدهم، ماهیتی اقتصادی-سیاسی برای «تحریم» در نظر بگیرد و در نتیجه، تمرکز خود را صرفاً و منحصرأ بر تعیین تکلیف و به سرانجام رساندن مذاکرات و امضای موافقت‌نامه با ۵+۱ قرار دهد و یا می‌تواند ماهیتی اقتصادی-گفتمانی-اطلاعات محور-سیاسی برای «تحریم» قائل گردد و این گونه فرض نماید که تنها با ابزارهای چند بعدی می‌توان با تحریم‌ها مقابله نمود و در نتیجه علاوه بر تعیین تکلیف و به سرانجام رساندن مذاکرات و امضای موافقت‌نامه با ۵+۱ (به‌عنوان شرط لازم و نه کافی)، به پنج اقدام مکمل مهم مبادرت ورزد تا بتواند تحریم‌های دیگر را نیز مدیریت نماید. در چنین حالتی می‌باید دو پیش فرض را مبنای کار خود قرار دهد و مفروض در نظر گیرد:

الف) تا زمانی که ایالات متحده تحریم را ابزار کارآمدی جهت تغییر رفتار و مهار جمهوری اسلامی ایران بداند از آن دست نخواهد کشید؛ ب) حل پرونده هسته‌ای-تحریم‌ها- مذاکرات به معنای حل پرونده‌های حقوق بشر - تحریم‌ها، منطقه‌ای - تحریم‌ها و رفتار جمهوری اسلامی - تحریم‌ها (تحریم‌های عملی در دوران کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون و بوش پسر) نخواهد بود.

با این دو پیش فرض کلیدی، دولت دکتر رئیسی به منظور مدیریت‌های تحریم‌های ناشی از پرونده‌های حقوق بشر - تحریم‌ها، منطقه‌ای-تحریم‌ها و رفتار جمهوری اسلامی - تحریم‌ها می‌باید انجام پنج اقدام مکمل کلیدی را در کنار احیای موافقت‌نامه با ۵+۱ (به‌عنوان شرط لازم) در دستور کار خود

قرار دهد. در غیر این صورت موفقیت در مذاکرات و انعقاد یک موافقت‌نامه با ۱+۵ منجر به حل موضوع تحریم‌ها نخواهد شد. این ۵ اقدام مکمل عبارت‌اند از:

(الف) تشکیل یک سازمان مستقل و فرابخشی به منظور مدیریت و مقابله با تحریم‌ها.

(ب) مسدود نمودن حفره‌های اطلاعاتی در محیط اقتصادی به منظور از بین بردن برتری (یا اشراف) اطلاعاتی حریف در حوزه اقتصادی.

(ج) برطرف نمودن آسیب‌پذیری‌های داخلی اقتصاد کشور. این آسیب‌پذیری‌ها موجب تشدید اثرات تحریم‌های اعمالی علیه اقتصاد ایران گردیده و می‌گردند.

(د) با انجام تدابیری خاص از فشارهای اقتصادی - معیشتی ناشی از تحریم بر زندگی مردم بکاهند. نباید اجازه داد که بار اصلی تحریم‌ها بر دوش مردم بیفتد و لازم است که دولت با انجام تدابیری چند از فشار کمرشکن تحریم‌ها بر روی زندگی مردم بکاهد. به زبانی ساده باید گفت که دولت نباید اجازه دهد که مردم سپر بلای دولت در مقابل تحریم‌ها باشند و هزینه تحریم‌ها عمدتاً بر دوش مردم قرار گیرد، بلکه دولت باید خود را سپربلای مردم در مقابل تحریم‌ها بنماید.

(هـ) با اعمال تغییرات بنیادین در الگوی حکمرانی و کشورداری (یا حکومت‌داری)، کارآمدی خود را افزایش دهد. ناکارآمدی یک نظام سیاسی در پاسخ‌گویی به مشکلات مبتلابه جامعه موجب افول هژمونی گفتمان سیاسی-اجتماعی آن نظام می‌گردد. معضلات دیرینه و مزمنی نظیر تورم بالا، بیکاری، عدم حمایت از بخش تولید و... که همه آنها پیش از اعمال تحریم‌های غرب و حتی در دوران حکومت پهلوی‌ها هم وجود داشته‌اند، موجب می‌گردند که تأثیرات گفتمانی تحریم‌ها تشدید و مضاعف گردند و مردم ایران بسیاری از این مشکلات را به حساب تحریم‌ها بنویسند و در نتیجه خواهان امتیاز دادن نظام جمهوری اسلامی به غرب به منظور رفع تحریم‌ها گردند و همان گونه که پیش‌تر توضیح داده شد اعمال تحریم‌ها توسط ایالات متحده (و جهان غرب) را نتیجه عملکرد جمهوری اسلامی ایران در بعد خارجی و داخلی در نظر بگیرند و حمایت از سیاست‌های داخلی و خارجی نظام را متوقف نمایند.

بنابراین، مهم‌تر از ماهیت اقتصادی - سیاسی تحریم، ماهیت گفتمانی - اطلاعات محور تحریم می‌باشد. دولت سیدابراهیم رئیسی باید به این مهم توجه نماید، در غیر این صورت باید این پرونده حساس و قدیمی را حل نشده به دولت بعدی بسپارد. همان گونه که سیدمحمد خاتمی به محمود احمدی‌نژاد، محمود احمدی‌نژاد به حسن روحانی و حسن روحانی به سید ابراهیم رئیسی سپرد.

در پایان این بخش لازم است که به ۳ سؤال کلیدی پاسخ داد تا فرضیه اصلی این پژوهش بتواند از چالش فرضیه‌های رقیب مصون بماند.

سوال کلیدی اول) آیا فرضیه دارای خلل نیست؟ زمانی که پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات در دولت حسن روحانی به وزارت امور خارجه (واخ) سپرده شد، باز هم شورای عالی امنیت ملی (شعام) در پرونده دارای اختیاراتی بود. این موضوع را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟

اگر چه در دولت دکتر روحانی، شورای عالی امنیت ملی شئونانی از سیاست‌گذاری را در پرونده هسته‌ای - تحریم‌ها - مذاکرات برای خود قائل بود، لکن به دلیل سپرده شدن پرونده به وزارت امور خارجه ترجیح می‌داد که کمتر در موضوع ورود و دخالت نماید و کمترین دخل و تصرف را در تصمیم‌های وزارت امور خارجه (واخ) اعمال نمود.

سؤال کلیدی دوم) آیا خروج «دانلد جی. ترامپ» از برجام را می‌توان با ادبیات روابط بین‌المللی توضیح داد؟

پاسخ مثبت است. رئالیست‌ها، تقلب^۱ و نگرانی دولت‌ها درباره دستاوردهای نسبی^۲ را دو مانع عمده بر سر راه همکاری‌های بین‌المللی می‌دانند (گریکو^۳، ۱۹۸۸: ۴۸۷). «دانلد جی. ترامپ» چند ماه پس از تکیه بر کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده در ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) از برجام خارج گردید، چرا که برحسب نگرش رئالیست‌ها، «ترامپ» نگران دستاوردهای نسبی بیشتر ایران در دوگانه داده-ستانده یا هزینه یعنی توقف برنامه هسته‌ای - فایده یعنی منتفع شدن از رفع تحریم‌ها از یک سو و تقلب یعنی غنی‌سازی بیش از حد مجاز در برجام به صورت مخفیانه (که تنها زاییده تخیلات ترامپ بود و هیچ‌گاه از سوی جمهوری اسلامی دنبال و انجام نشد) از دگر سو بود. البته نباید از نگاه متقلبان و محاسبات منفعت‌جویانه و غلط «ترامپ» غفلت نمود. همان گونه که پیش‌تر مورد تأکید قرار گرفت، «ترامپ» حسب توصیه مشاوران خود، این گونه محاسبه نمود که با خارج شدن از برجام و در نتیجه بازگردانی تحریم‌های گذشته و اعمال تحریم‌های جدید می‌تواند به‌واسطه برتری (یا اشراف) اطلاعاتی ایالات متحده در حوزه اقتصاد ایران (بعد اطلاعات محور تحریم)، هم ثبات داخلی اقتصاد ایران را از بین ببرد (بعد اقتصادی تحریم)؛ هم شکاف دولت - ملت را افزایش دهد (بعد سیاسی تحریم)؛ و هم عدم تفاهم جمهوری اسلامی ایران با آمریکا در حوزه‌های موشکی، منطقه‌ای و غیره را عامل مشکلات ملت ایران معرفی نماید و در نتیجه هژمونی گفتمان جمهوری اسلامی در سطح جامعه ایران را از بین ببرد (بعد گفتمانی تحریم) و نهایتاً جمهوری اسلامی ایران را تا مرز سقوط و فروپاشی بکشاند و Regime Change را محقق نماید.

البته از منظر حقوق بین‌الملل، برخی بر این باور هستند که «ترامپ» پس از کسب آگاهی در خصوص هزینه‌های اعمالی بر ایران (یعنی توقف برنامه هسته‌ای) مانع از کسب فایده توسط ایران (یعنی منتفع شدن از رفع تحریم‌ها) گردید.

سؤال کلیدی سوم) منظور از سازمان مستقل و فرابخشی که تشکیل آن در بخش قبلی به‌عنوان اقدامی مکمل تعیین تکلیف و به سرانجام رساندن مذاکرات و امضای موافقت‌نامه با ۱+۵ (به‌عنوان شرط لازم) معرفی گردید، چیست؟

1. cheating
2. state concerns about relative gains
3. Grieco

منظور سازمانی است که بتواند آثار تکانه‌های بیرونی اقتصاد (مخصوصاً مدیریت تحریم‌های پیشین و همچنین تحریم‌های احتمالی در آینده) را مدیریت نماید تا بتواند با دارا بودن قدرت اجرایی نه تنها در سطح کلان که حتی در سطح خرد اقتصاد نیز نقش آفرین باشد و اثرات تکانه‌های بیرونی و حتی درونی را به حداقل ممکن کاهش دهد، با این تفاوت که نه به‌عنوان یک ستاد که در اوقات منظم یا غیر منظم تشکیل جلسه می‌دهد بلکه به‌عنوان یک سازمان مستقل و متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار «سازمان برنامه و بودجه»، «بانک مرکزی»، «وزارت امور اقتصادی و دارایی»، «وزارت امور خارجه»، «وزارت اطلاعات»، «وزارت صنعت، معدن و تجارت»، «وزارت جهاد کشاورزی»، «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی»، «وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات»، «سازمان اطلاعات سپاه» و «بخش اقتصادی ستاد کل نیروهای مسلح» و با دارا بودن یک مدیر مستقل (به‌عنوان یکی از معاونت‌های رئیس‌جمهور) در اقتصاد ایران ایفای نقش نماید.

اگر بخواهیم در یک پاراگراف اختیارات این سازمان جهت مدیریت تکانه‌های بیرونی اقتصاد را مورد توجه قرار دهیم باید گفت که این سازمان جهت شکستن کلیشه‌های رایج و تبدیل شدن به یک سازمان کارآمد باید اختیاراتی نظیر «سیاست‌گذاری سیاست‌های پولی و مالی در حوزه تحریم، مدیریت بازار ارز، صدور مجوز واردات و صادرات، هدایت فعالیت‌های تولیدی، تعرفه‌گذاری، قیمت‌گذاری، مدیریت عرضه و تقاضا، کمک به رفع مشکلات تولید کنندگان، امهال بدهی بانکی تولید کنندگان واقعی، مدیریت و جهت‌دهی به تسهیلات بانکی، تأمین اقلام مورد نیاز که تحت تحریم‌ها قرار گرفته، تسهیل شرایط و حتی در صورت لزوم تأمین دانش فنی برای ساخت اقلامی که مورد تحریم قرار گرفته و ...» را عهده‌دار باشد، که اگر اختیاراتی از این دست را دارا باشد می‌تواند به فرمانده اقتصاد مقاومتی مبدل گردد. ضمن آن که عملکرد خوب این ستاد می‌تواند عنصر تحریم که به‌عنوان ابزاری کم هزینه جهت «تغییر رفتار» و «مهار» جمهوری اسلامی در دست طرف غربی قرار گرفته است و بسیار بعید می‌نماید که طرف غربی مگر در ازای گرفتن امتیازات بسیار از آن دست بشوید را بی‌اثر سازد. کافی است قضایای تحریم فروش بنزین به ایران را به یاد آوریم که چگونه طرح تحسین برانگیز دولت اول دکتر محمود احمدی نژاد در سهمیه‌بندی بنزین در سال ۱۳۸۶ آن را بلا اثر ساخت، به نحوی که دیگر زمزمه‌ای مبنی بر تحریم فروش بنزین به ایران حتی از سوی سناتورهای تندرو نیز شنیده نشد.

ممکن است انتقاد موازی کاری با نهادهای اقتصادی بر عملکرد این شورا وارد گردد که در پاسخ باید گفت که اگر عملکرد نهادهای اقتصادی در حوزه تحریم شایسته و منطبق بر منطق بود حال و روز اقتصاد کشور به جایی نمی‌رسید که حتی برخی از دولت‌مردان کشور نیز تمامی مشکلات ایجاد شده در کشور را ناشی از تحریم‌ها بدانند و کلید حل تمامی مشکلات اقتصاد ایران را «رفع تحریم‌های اقتصادی» ببینند و به مردم نیز این گونه منتقل نمایند. تحریم‌هایی که به گواه دلسوزان کشور، اگر با مدیریت شایسته و اقدامات بایسته تدبیر گردند قطعاً آثاری به مراتب کمتر خواهند داشت.

نتیجه گیری

«تحریم»ها دارای ماهیتی اقتصادی-گفتمانی-اطلاعاتمحور-سیاسی هستند و در نتیجه ماهیتی تلفیقی، پیچیده و چند بعدی دارند. در بُعد اقتصادی، «تحریم» را می‌توان یک «تهدید اقتصادی متوجه ثبات داخلی» دانست. علاوه بر ماهیت اقتصادی، «تحریم» دارای ماهیت گفتمانی نیز می‌باشد. «تحریم» اگر چه یک کنش عینی و ملموس می‌باشد، لکن معنایی را تولید می‌کند که به واسطه آن برخی از «دقایق [یا وقته‌ها]» و حتی دال مرکزی گفتمان سیاسی-اجتماعی یک کشور را آماج حملات معنایی قرار می‌دهد و از این طریق هژمونی آن گفتمان در سطح جامعه را به چالش می‌کشد. تحریم همچنین ماهیتی اطلاعاتمحور دارد. کشور تحریم کننده به دنبال شناسایی و حمله به اهداف اقتصادی کشور مورد تحریم (نظیر نهادها، سازمان‌ها، تشکیلات و شرکت‌های اقتصادی) می‌باشد و در این بین اطلاعات نقش اصلی را ایفا می‌نماید. اگر کشور تحریم کننده برتری (یا اشراف) اطلاعاتی نداشته باشد نمی‌تواند هیچ هدف اقتصادی را در کشور مورد تحریم شناسایی و تحریم نماید. تحریم ماهیتی سیاسی نیز دارد. کشور تحریم کننده به واسطه اعمال فشار بر کشور مورد تحریم که در نهایت متوجه مردم آن کشور می‌شود و آثار آن در زندگی مردم کشور مورد تحریم کاملاً حس و لمس می‌گردد، به دنبال افزایش شکاف دولت - ملت می‌باشد.

اثر بخشی مبحث تحریم‌ها بر جامعه ایران حاصل عملکرد چهار مؤلفه موازی می‌باشد: الف) «اطلاعات» نهادهای اطلاعاتی غرب از ساز و کارهای پولی و مالی ایران (بعد اطلاعاتمحور تحریم)؛ ب) گفتمانی دیدن مبحث تحریم توسط نهادهای اطلاعاتی-رسانه‌ای غرب به‌عنوان ابزاری برای تفهیم این موضوع به مردم ایران که تحریم‌ها نتیجه عملکرد جمهوری اسلامی ایران در خارج و داخل می‌باشد تا بتواند توان نظام در اقناع مردم ایران را تضعیف نماید و حمایت مردم از سیاست‌های داخلی و خارجی نظام را کم رنگ و محو ساخته و نهایتاً هژمونی گفتمان جمهوری اسلامی در ایران را به چالش بکشد (بعد گفتمانی تحریم)؛ ج) ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران از جمله ضعف‌های مدیریتی (بعد اقتصادی تحریم)؛ و د) پیچیدگی‌های سیاسی موضوع تحریم به‌عنوان ابزاری جهت ایجاد شکاف بین ملت - دولت (بعد سیاسی تحریم).

به‌واسطه در نظر گرفتن ماهیت اقتصادی-گفتمانی-اطلاعاتمحور - سیاسی «تحریم»ها و به منظور مدیریت‌های تحریم‌های ناشی از پرونده‌های حقوق بشر-تحریم‌ها، منطقه‌ای-تحریم‌ها و رفتار جمهوری اسلامی-تحریم‌ها، دولت می‌باید انجام پنج اقدام مکمل کلیدی را در دستور کار قرار دهد. در غیر این صورت موفقیت در مذاکرات و انعقاد یک موافقت‌نامه با ۱+۵ منجر به حل موضوع تحریم‌ها نخواهد شد. عدم توجه به ماهیت تلفیقی و چند بعدی «تحریم»ها و اصرار بر اقتصادی-سیاسی دیدن «تحریم»ها اشتباه بزرگی است که فرصت حل و فصل پرونده را از بین برده و موجب طولانی شدن پرونده خواهد شد.

References

- Bigo, D. (2008). International Political Sociology. In Paul D. Williams. *Security Studies: an introduction*. London & New York: Routledge.
- Booth, K. (1991). "Security and emancipation". *Review of International Studies*, Vol. 17, No. 4: 313–326.
- Burchill, S. & Linklater, A. (2005). Introduction. In Scott Burchill, Andrew Linklater, Richard Devetak, Jack Donnelly, Matthew Paterson, Christian Reus-Smit and Jacqui True. *Theories of International Relations*. Third Edition. Hampshire & New York: Palgrave Macmillan.
- Buzan, B. (1983). *People, States & Fear: The National Security Problem in International Relations*. Second Edition. Brighton: Harvester Books.
- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: a new framework for analysis*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Publishers.
- Checkel, J. T. (2013). Theoretical pluralism in IR: Possibilities and limits. In Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth A. Simmons. *Handbook of International Relations*. Washington DC, Los Angeles, London, New Delhi and Singapore: SAGE.
- Clark, R. M. (2013). *Intelligence Analysis: A Target-centric Approach*. Fourth Edition. Washington, DC: SAGE Publications Ltd.
- Cohen, R. (1978). "Threat Perception in International Crisis". *Political Science Quarterly*, Vol. 93, No. 1: 93-107.
- Dillon, G. M. (1990). "The Alliance of Security and Subjectivity". *Current Research on Peace and Violence*, Vol. 13, No. 3: 101-124.
- Federal Register (1979). Executive Order 12170 of Nov. 14, 1979: Blocking Iranian Government property. Retrieved from *National Archives* website: www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12170.html
- Federal Register (1980 a). Executive Order 12205 of Apr. 7, 1980: Prohibiting certain transactions with Iran. Retrieved from *National Archives* website: www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12205.html
- Federal Register (1980 b). Executive Order 12211 of Apr. 17, 1980: Further prohibitions on transactions with Iran. Retrieved from *National Archives* website: www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12211.html
- Federal Register (1981). Executive Order 12282 of Jan. 19, 1981: Revocation of prohibitions against transactions involving Iran. Retrieved from *National Archives* website: www.archives.gov/federal-register/codification/executive-order/12282.html
- Ferris, J. (2003). Intelligence. In Robert Boyce & Joseph A. Maiolo. *The Origins of World War Two: The Debate Continues*. Basingstoke: Palgrave.
- Godson, R. (1987). Intelligence: An American View. In K. G. Robertson. *British and American Approaches to Intelligence*. London: Palgrave Macmillan.
- Grieco, J. M. (1988). "Anarchy and the Limits of Cooperation: A Realist Critique of the Newest Liberal Institutionalism". *International Organization*. Vol. 42, No. 3: 485-507.
- Jackson, p., & Siegel, J. (2005). Introduction. In Peter Jackson & Jennifer Siegel. *Intelligence and Statecraft: The Use and Limits of Intelligence in International Society*. Westport, Connecticut & London: Praeger.

- Khomeini, R. (2010). *Sahifa Imam: Collection of works of Imam Khomeini (statements, messages, interviews, rulings, religious permissions and letters) (September 1979 - November 1979)*. Volume 10. Fifth Edition. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Lowenthal, M. M. (2009). *Intelligence: From Secrets to Policy*. 4th edition. New York: CQ Press.
- Moslehi, H., & Rezaei, N. (2020). *An Introduction to Theories, Schools, and Approaches to "Security": Islam and the West*. Tehran: Daa. (In Persian)
- Scott, L., & Jackson, P. (2004). Journeys in Shadows. In Len Scott & Peter Jackson. *Understanding Intelligence in the Twenty-First Century: Journeys in Shadows*. London & New York: Routledge.
- Shulsky, A. N., & Schmitt, G. J. (2002). *Silent Warfare: Understanding the World of Intelligence*. Third Edition. Washigton D.C. Potomac Books, Inc.
- Wæver, O. (1995). Securitization and Desecuritization. In Ronnie D. Lipschutz. *On Security*. New York: Columbia University Press.
- Wæver, O. (2004). "Aberystwyth, Paris, Copenhagen New 'Schools' in Security Theory and their Origins between Core and Periphery". Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association, Montreal, March 17-20, 2004.
- Website of the Supreme Leader (December 10, 2020). *The dimensions of the model of overcoming sanctions and solving economic problems have been explained by the Supreme Leader of the Revolution: How are sanctions neutralized?* Retrieved August 20, 2021, from: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=46964>. (In Persian)
- Website of the Supreme Leader (October 29, 2019). *What structural problems have hindered the "prosperity of national production"?* Retrieved on August 20, 2021, from: <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=44090>. (In Persian)